

درآمدی بر الاهیات اجتماعی کاتولیک در دوره مدرن^۱

اسماعیل علی‌خانی^۲

استادیار مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، شعبه قم، قم، ایران

چکیده

این نوشتار به الاهیات اجتماعی، یعنی کاربردهای عملی ایمان مسیحی، به منظور ترویج و تثبیت حضور اجتماعی دین می‌پردازد. الاهیات اجتماعی مسیحی در اثر مشکلات ناشی از مدرنیته و صنعتی شدن جوامع مسیحی، نظیر فقر گسترده، بیکاری، بی‌عدالتی، اعتیاد، تبعیض نژادی، استثمار و... و هم‌زمان با گسترش علوم اجتماعی و جامعه‌گرایی در قرن نوزدهم، به وجود آمد. الاهیات اجتماعی صریح کلیسای کاتولیک از ۱۸۹۱م توسط بیانیه پاپی /امور جدید لئوی سیزدهم، شکل و اقتدار یافت و تا امروز در تعداد قابل توجهی از بیانیه‌های پاپی، سندهای شورایی و بیانات کلیسایی و نامه‌های رسولی برای کنفرانس‌های اسقفی دنبال شده است. عمده‌ترین مسائل مطرح در این بیانیه‌ها و سندها، عدالت اجتماعی، منزلت کار و کارگر، مالکیت خصوصی، جهانی‌سازی و توسعه، جنگ و صلح و محیط زیست است. تلاش‌هایی، هرچند ناموفق، نیز در قالب جنبش‌های دموکراتیک، نهضت‌های کارگری - کشیشی، شوراها و اسقفی و نهضت‌های تبشیری در جهت تحقق عملی این بیانیه‌ها صورت گرفته است.

کلیدواژه‌ها

الاهیات، الاهیات اجتماعی کاتولیک، دین، تعالیم اجتماعی، پاپ لئوی سیزدهم.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۳/۸ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۸/۱۴

۲. پست الکترونیک: ialikhani@irip.ir

مقدمه

از جمله موضوعاتی که همواره در مرکز توجه ادیان بوده است، جامعه و مسائل مربوط به آن است. البته از سوی دیگر، دین به واسطه اهمیتی که در حیات اجتماعی مردمان دارد، همواره در مرکز توجه متفکران اجتماعی قرار داشته است.^۱

آنچه بدیهی و محرز می‌نماید، همانا حضور اجتماعی دین است. از نکات مهم در ادیان توحیدی، تجلی جمعی و بیرونی آن است. کمتر دینی را در تاریخ سراغ داریم که توجهاتی را به خود جلب نموده و پیروان قابل توجهی یافته باشد، اما از خود اثر و حضور اجتماعی باقی نهماده باشد. بخش عمده تأثیرات اجتماعی ادیان به حجم و محتوای تعالیم اجتماعی هر دین بازمی‌گردد، هرچند حضور اجتماعی دین را، به واسطه تأثیراتی که بر نگرش، منش و کنش پیروان خود می‌نهد و آنان را به تعاملات خاصی در میان خود و با دیگران برمی‌انگیزد، نباید نادیده گرفت.^۲

البته در بررسی تأثیرات اجتماعی دین باید مراقب بود که از حق بودن و اعتبار دین غفلت نکنیم و یکسره به سمت کارکردگرایی نغلتیم.^۳

به هر روی، طرفداران الاهیات اجتماعی به کاربرت‌های عملی ایمان مسیحی بسیار علاقمند هستند. هدف بنیادین چنین افرادی مطرح ساختن نگرش‌های سنت مسیحی در شرایط زندگی امروزی و زندگی بر اساس اصول ایمانی است. آنان پیوسته در صدد نشان دادن رابطه ایمان مسیحی با مسائل دوران معاصر هستند. در نتیجه آنان حاضر نیستند به انتزاعی کردن مباحث الاهیاتی محدود باشند، بلکه در تلاشند تا نگرش‌های الاهیاتی را وارد قلمروهای متنوع و گوناگونی نظیر سیاست، اقتصاد، حقوق بشر و مسائل بین‌المللی کنند.^۴

۱. شجاعی‌زند، علیرضا، «جامعه‌شناسی دین، عبور از محدودیت‌ها»، مجله قیاسات، سال هشتم، بهار ۱۳۸۲، صص ۱۰۵-۱۲۴.

۲. شجاعی‌زند، علیرضا، دین، جامعه و عرفی شدن، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۰ش، صص ۱-۲.

3. Turner S., Bryan, *Religion and Social Theory*, New York, 1983, p.39.

۴. گرنز، استتلی جی و آلسون، راجر ای، الاهیات مسیحی در قرن بیستم، رابرت آسیریان، میشل آقامالیان، تهران، کتاب روشن، ۱۳۸۶ش، ص ۱۴۰.

الاهیات اجتماعی

هنگامی که اندیشمندان دینی به مسائل اجتماعی زمان خود می‌پردازند و می‌کوشند برای این مسائل راه‌حلهایی مبتنی بر تعالیم دینی بیابند، الاهیاتی پدید می‌آید که از آن به «الاهیات اجتماعی»^۱ تعبیر می‌شود. در نتیجه، الاهیات اجتماعی نوعی نجات اجتماعی است؛ نجات در پرتو دین. شعار الاهیات اجتماعی مسیحی این بود که مسیحیت در درجه اول با این جهان سر و کار دارد و رسالت مسیحیت این است که در این دنیا پادشاهی درست‌کاری و ملکوت خداوند را محقق کند و همه ارتباطات اجتماعی را از پادشاهی اهریمن‌رهایمی بخشند؛ چیزی که فقط با شیوه‌های انتزاعی ریاضت‌کشی، بصیرت‌های خیالی و آن‌دنیایی قابل تحقق نیست.^۲ برای تبیین دقیق الاهیات اجتماعی باید به حیطه، ابعاد، بنیان‌ها و معانی صریح و ضمنی آن بپردازیم:

حیطه الاهیات اجتماعی

گاهی مقصود از الاهیات اجتماعی، معنای گسترده آن است؛ بدین معنا که الاهیات اجتماعی اساس همه مسائل اجتماعی و امور مربوط به جمع است و به امر یا امور خاصی محدود نمی‌شود، بلکه هر چیزی که دارای بعد اجتماعی است، این الاهیات آن را نیز در بر می‌گیرد. در این جا با معنای عمیق الاهیات اجتماعی مواجه هستیم؛ یعنی مواجهه دین با همه امور. اما گاهی مقصود از الاهیات اجتماعی، معنای ضیق و محدود آن است، یعنی مواجهه دین با مشکلات اجتماعی، نظیر فقر، بیکاری، بی‌عدالتی، تبعیض نژادی و ...

آنچه یک دین حقیقی و کامل باید داشته باشد، الاهیات اجتماعی به معنای وسیع آن است، اما آنچه در مسیحیت، به‌ویژه در قرن نوزدهم و بیستم با آن مواجه هستیم، الاهیات اجتماعی به معنای دوم آن است؛ البته الاهیات اجتماعی را نباید با نحوه تأثیر نهادن الاهیات

1. Social Theology

2. Ely, Richard T., *Social Aspects of Christianity and other Essays*, 1889, p.63; DeWitt Hyde, William, *Outlines of Social Theology*, University of Chicago Press, 1896, p.254.

بر رخدادهای اجتماعی و سیاسی خلط کرد. الاهیات اجتماعی شاخه‌ای از الاهیات است که درصدد فهم و ارزیابی شرایط اجتماعی بر اساس تعالیم دین است.^۱

الاهیات اجتماعی ضمنی و صریح

می‌توان به دو شیوه صریح و ضمنی به مسائل اجتماعی از منظر دین نگریست. گاه شخص الاهی‌دان به مسائل اجتماعی می‌پردازد، بدون این‌که خود متوجه باشد که وارد شاخه‌ای به نام الاهیات اجتماعی شده است و گاه نیز شخص خود به کار خویش آگاه است و درصدد حل مشکلات اجتماعی از طریق دین برمی‌آید. در گذشته افراد بسیاری از ادیان مختلف به بررسی مسائل اجتماعی از منظر دین پرداخته‌اند و این موضوع پدیده جدیدی نیست، اما هنگامی که شرایط اجتماعی اروپا با هجوم مدرنیته تغییر کرد، الاهی‌دانان مسیحی در قرن ۱۹ برای بررسی ارتباط مسائل اجتماعی با اصول الاهیاتی، تلاش آشکار و صریح انجام دادند.

به بیان دیگر، دست‌کم، به دو شیوه می‌توان به تاریخ الاهیات اجتماعی پرداخت که هر یک از آن‌ها امتیازات خاص خود را دارد. شیوه نخست به بررسی الاهیات اجتماعی، بدون عنوان می‌پردازد، که آن را «الاهیات اجتماعی ضمنی»^۲ می‌نامیم؛ یعنی نگاه به تاریخ الاهیات با محوریت مباحث مربوط به مسائل اجتماعی، نظیر سیاست، اقتصاد، مجازات، خانواده و جز آن. هرچند که بسیاری از الاهی‌دانان ناآگاهانه در زمینه این مسائل قلم‌فرسایی کرده‌اند. بنابراین، این امر همواره به عنوان شاخه فرعی الاهیات بوده است.^۳

شیوه دوم، یعنی «الاهیات اجتماعی صریح»^۴، شیوه‌ای است که بر اساس آن، می‌توان به بررسی این نکته پرداخت که چگونه الاهی‌دانان به این نکته پی‌بردند که باید به مسائل اجتماعی جوامع مدرن به عنوان بخشی از پژوهش الاهیاتی بپردازند.

۱. لگن‌هاوزن، محمد، «درآمدی بر الاهیات اجتماعی پروتستان از آغاز نهضت اصلاح دین تا هگل»، منصور نصیری، مجله الاهیات/اجتماعی، ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، صص ۳۷-۳۸.

2. Implicit Social Theology

۳. همان.

4. Explicit Social Theology

شاید بتوان گفت که الاهیات اجتماعی صریح در قرن ۱۹ در اروپا و آمریکا به عنوان تلاشی برای ارائه چشم‌انداز مسیحی درباره مسائلی که جامعه‌شناسان قبلاً مطرح کرده بودند، ظهور کرد. الاهیات اجتماعی ضمنی مدت‌ها پیش از آن‌که سنت سیمون^۱ اصطلاح جامعه‌گرایی^۲ را وضع کند، وجود داشته است، ولی الاهیات اجتماعی صریح فقط در واکنش به جامعه‌گرایی و شرایط اجتماعی‌ای که به جامعه‌گرایی انجامید، ظهور کرد.^۳

علل پیدایی الاهیات اجتماعی مسیحی

نهضت‌های اجتماعی، به معنای برنامه‌های عملی برای اصلاح اقتصادی و سیاسی، به منظور رفاه عمومی، پدیده‌ای نسبتاً جدید هستند. این نهضت‌ها به ویژه مشخصه قرن نوزدهم هستند و از فهم بالای اهمیت جامعه در زندگی اشخاص ناشی شده‌اند. این آگاهی اجتماعی ناشی از انقلاب‌های برآمده از دموکراسی، ملی‌گرایی و صنعت است. انقلاب دموکراتیک در آمریکا و فرانسه، انقلاب ملی‌گرایانه در آلمان، که اقتصاد، حقوق، فلسفه و سیاست را تحت تأثیر قرار داد و انقلاب صنعتی در انگلیس، هر کدام به شیوه خود شناختی از حقیقت اجتماعی و مشکلات اجتماعی به وجود آورد.

هم‌زمان با گسترش علوم اجتماعی در قرن نوزدهم و نیز مشکلات اجتماعی ناشی از صنعتی شدن جوامع مسیحی، الاهی‌دانان مسیحی درصدد برآمدند که در پاسخ به این شرایط اجتماعی دنیای جدید، مبنایی در دین پیدا کنند. این کار سیر الاهیات عملی را شکل داد.^۴ نیمه دوم قرن نوزدهم دوره‌ای بود که پرسش‌های اجتماعی، حتی برای الاهی‌دانان اجتناب‌ناپذیر شد و به وضوح بر آنان تأثیر نهاد.^۵ اما نکته مهم این است که الاهیات

۱. سنت سیمون (م ۱۸۲۵)، علاوه بر آن‌که یکی از شخصیت‌های بنیان‌گذار اندیشه اجتماعی اروپا محسوب می‌شود، در اثر خود که در سال ۱۸۲۵ منتشر شد، از الاهیات اجتماعی خاص خودش دفاع می‌کند.

2. socialism

۳. همان، ص ۱۰.

4. Heitink, Gerben, *Practical Theology: History, Theory, Action, Domains*, Grand Rapids: Wm. B. Eerdmans Publishing Co, 1999, p.50.

5. McGrath, Alister, *The Blackwell Encyclopedia of Modern Christian Theology*, Blackwell, 1995, p.604.

اجتماعی به کلی ریشه در انقلاب فرانسه دارد، چون مسأله اجتماعی در آن جا پیدا شد؛ این که این جا مسائلی هست و چه باید کرد و وظیفه کلیسا نسبت به آن چیست. از عوامل مؤثر دیگر در پیدایی الاهیات اجتماعی مسیحی، واکنش به سوسیالیسم بود. به همان نسبت که سوسیالیسم به تدریج خود را مادی‌گراتر و ضد مسیحی‌تر نشان می‌داد، واکنش کلیسا به آن نیز بیشتر می‌شد و کلیسا در برابر این بیم که امتش در زیر پرچم سرخ دجال گرد آیند، احساس وظیفه می‌کرد. اما دور از انصاف و نادرست است که پیدایی جنبش اجتماعی مسیحی را بیش از حد تحت تأثیر سوسیالیسم و در رقابت با آن لحاظ کنیم؛ بلکه بیشتر باید آن را نوعی بیداری وجدان مسیحی دانست.^۱

الاهیات اجتماعی در قالب بیانیه‌های پاپی و اسقفی

تفکر اجتماعی کاتولیکی جدید عموماً با مجموعه‌ای از تلاش‌های انفرادی و بی‌ارتباط، به جای نهضتی منسجم و برنامه‌ای رسمی آغاز شد. این تلاش‌ها در ۱۸۹۱م توسط بیانیه پاپی / امور جدید لئوی سیزدهم، شکل و اقتدار یافت و در دهه‌های بعد توسط بیانیه‌های اجتماعی پاپی پیوس یازدهم، ژان بیست و سوم، پل ششم و ژان پل دوم و در تعداد قابل توجهی از بیانیه‌های پاپی، سندهای شورایی و بیانات مدافعه‌گرایانه کلیسایی و نامه‌های رسولی برای کنفرانس‌های اسقفی دنبال شد.^۲ برخی از اشخاص و شوراهای تأثیرگذار در الاهیات اجتماعی به شرح ذیل است:

تعالیم اجتماعی پاپ لئوی سیزدهم

پاپ لئوی سیزدهم، آغازگر بیانیه‌های پاپی و اسقفی، همان کسی است که برای نخستین بار در طول تاریخ، در ۱۸۸۱م آرشیو واتیکان را نه تنها برای کاتولیک‌ها، بلکه برای همه

۱. ژید، شارل و شارل ریست، تاریخ عقاید اقتصادی، کریم سنجابی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۱ش، ج ۲،

صص ۲۱۶-۲۱۷.

2. Harte, T. J. & Massaro, T., "Social Thought, Papal", *New Catholic Encyclopedia*, Washington, The Catholic University of American, 2003, v.13, p.257; McGrath, *The Blackwell Encyclopedia of Modern Christian Theology*, p.604.

محققان دارای شرایط لازم گشود.^۱

وی از پاپ‌های مشهور دوران اخیر است و در ۱۸۷۸م در اوضاعی کاملاً بحرانی پاپ شد و منشأ تحولات بسیاری در کلیسا شد، به طوری که ملقب به «مؤسس عصر جدیدی در تاریخ مذهب کاتولیک» شد. در جریان‌ات اجتماعی و سیاسی عصر دخالت می‌کرد و توجه خاصی به حل مسائل از طریق مسیحیت داشت. در مورد ازدواج، تعلیم و تربیت، سوسیالیسم و لیبرالیسم فتاوی صادر کرد و در جهت برقراری صلح در میان دول اقداماتی کرد.^۲ اتین ژیلسون کتاب مفصلی با عنوان اصلی: کلیسا با عالم جدید سخن می‌گوید و عنوان فرعی *تعالیم اجتماعی لئوی سیزدهم*^۳ درباره‌اش تألیف (۱۹۵۴م) و در آن فتاوی پاپ را نقل، شرح و تفسیر کرده است.

لئوی سیزدهم پیشگام ارائه اصولی عریض و طویل در رابطه با مسائل اجتماعی، به ویژه، حقوق و وظایف کارگران، کارفرمایان و دولت پس از انقلاب صنعتی است. این اصول که اساساً مبتنی بر قانون طبیعی است، در تقابل با استیلای اصول لیبرالیسم سیاسی و اقتصادی است.^۴

لئوی سیزدهم در بیانیه اسقفی *آزادی*^۵ در ۱۸۸۸م، که یکی از مهم‌ترین اسناد عصر جدید است و مبنای اساسی تعالیم اجتماعی پاپ‌های بعدی شد، اموری نظیر ازدواج، خانواده، سرشت دولت و روابط میان کلیسا و دولت، حقوق و وظایف کارفرما و کارگر، حق کلیسا برای آزادی در انجام وظایف تبشیری و حق مردم در آزاد بودن تعیین شکل حکومت‌شان را مطرح کرد.^۶

اما ریشه‌های آموزه اجتماعی مسیحی را باید به نحو گسترده در بیانیه پاپی /مور جدید^۷ لئوی سیزدهم جست که در ۱۸۹۱ ارائه کرد. انتشار بیانیه /مور جدید آغاز توسعه

1. W. O'Malley, John, *A History of the Popes*, Rowman & Littlefield Publishers, New York, 2010, p.257.

۲. پازوکی، شهرام، «تجدید فلسفه مسیحی در دوره جدید»، سایت مهرنامه، ۱۳۹۰، شماره مقاله ۳۱۲۱.

3. Etienne Gilson, *The Church Speaks to the Modern World*.

4. Harte & Massaro, "Social Thought, Papal", *New Catholic Encyclopedia*, v.13, p.259.

5. *Libertatem* (freedom)

6. *Ibid*, p.258.

7. *Rerum Novarum* (of the New Things)

نظام‌مند بدنه‌ی تعالیم اجتماعی بود. این بیانیه به اشخاص، نظام‌ها و ساختارها، به‌مثابه سه امر هماهنگ در پیشرفت جدید عدالت و صلح پرداخت. این بیانیه بر اصول سه‌گانه کرامت انسانی، اتحاد و همکاری مبتنی است.

به‌رغم انتشار بیانیه‌های پاپی دیگر پیش از آن، سند/مور جدید شامل نظریات جدید و مهم بود که پایه‌های رویکرد اجتماعی کلیسا را در موضوعات اجتماعی جدید فراهم می‌آورد.^۱ این بیانیه جایگاه مهمی در سنت جدید کاتولیکی دارد.

نخستین سند کلیسایی که تقریباً نیم قرن پس از انتشار مانیفست کمونیسیم توسط مارکس نوشته شده، همین بیانیه است که به منظور مقابله با پیامدهای تفکر مارکسیستی، به‌ویژه اندیشه‌های مربوط به مبارزه طبقاتی و مالکیت خصوصی است.^۲ سند دوم به‌طور مشخص‌تر و واضح‌تر درباره‌ی اموری است که در سند نخست به صورت کلی بیان شده بود.^۳

پاپ لئوی سیزدهم در این بیانیه به تحلیل خطرات زمان پرداخت، دلایل معضلات اجتماعی را برشمرد و راه‌کارهای سوسیالیست‌ها را محکوم کرد. وی در این بیانیه، که خطاب به اسقف‌ها است، از مشارکت اقتصادی دفاع کرد. وی ضمن اعلام این امر که هیچ علاج پایداری جز دین وجود ندارد، به بررسی راه‌حل‌های رفع فساد اجتماعی پرداخت. به نظر او، بهترین راه حفظ منافع کارگران، نظیر دستمزد عادلانه، محدود بودن ساعات کار، عدم کار بچه‌ها و ... ایجاد سازمان‌هایی مانند اتحادیه‌های کارگری و انجمن‌های مشابه است.^۴ از نظر پاپ لئو، اخلاق شخصی و تعالیم کلیسا کلید حل مشکلات اجتماعی است. اما از جانب دیگر، وظیفه دولت حفظ منافع عمومی، حقوق فقرا و کارگران است.^۵

۱. سنت جدید اسناد پاپی توسط بندیکت چهاردهم در سال ۱۷۴۰م آغاز شد. برای مشاهده چشم‌اندازی از موضوعات عمده‌ی آن بیانیه‌ها بنگرید به:

Michael Schuck, *That They Be One: The Social Teachings of the Papal Encyclicals 1740-1989*.

2. Boileau, David A., *Catholic Social Teaching: An Historical Perspective*, Marquette University Press, 2003, p.135.

3. Mayeur, Z. M. M., "Leo XIII, Pope", *New Catholic Encyclopedi*, V. 8, p.492.

4. W. O'Malley, *A History of the Popes*, p.258; *Rerum Novarum*: [32-35].

5. Ibid: [29]; Sniegocki, John, *Catholic Social Teaching and Economic Globalization*, Marquette University Press, 2009, p.108.

تعالیم اجتماعی پاپ پیوس یازدهم

چهل سال بعد، در ۱۹۳۱م، پاپ پیوس یازدهم، با تأیید کار پاپ لئوی سیزدهم، بیانیه «لزوم بهبود وضع کارگران» یا بیانیه «چهلمین سال»^۱ را خطاب به اسقف‌ها صادر کرد. این بیانیه پس از جنگ جهانی اول و پس از اعتصاب عمومی ۱۹۲۶م و از هم‌پاشیدگی وال‌استریت در ۱۹۲۹م نوشته شد.

پاپ پیوس یازدهم بر تجدید بنای حیات سیاسی و اقتصادی در پرتو ارزش‌های دینی استدلال کرد و تأکید کرد که هم سوسیالیسم و هم کاپیتالیسم لجام‌گسیخته دشمن آزادی و کرامت انسان هستند. وی یک اقتصاد، بر اساس همکاری مشترک و هم‌بستگی را پیشنهاد داد. او بر مالکیت خصوصی تأکید ورزید و بر این باور بود که مالکیت در جهت پیشرفت و آزادی اشخاص است.

او معتقد بود که صنعتی‌سازی، آزادی فردی و اجتماعی را محدود می‌سازد، زیرا نهادهای اجتماعی برجسته و آزاد توسط نهادهای بزرگ‌تر بلعیده می‌شوند. مردم بیش از دوره‌های قدیم به یکدیگر وابسته می‌شوند و برای اندکی آزادی دچار سرخوردگی می‌شوند. این بیانیه بر خیر عمومی در جامعه و مسئولیت دولت در قبال ترویج امور خوب در هر بخش از جامعه تأکید کرد.

پیوس یازدهم هم‌چنین دو مفهوم جدید عدالت اجتماعی^۲ و نیکوکاری اجتماعی^۳ را به وجود آورد. او بر هم‌بستگی زیاد، به‌ویژه بین کارگران و کارفرمایان تأکید داشت. پیوس بر این امر هشدار می‌داد که سرمایه‌داری، به ویژه بازارهای مالی بر افراد هجمه می‌آورند و بنابراین دغدغه‌های کاپیتالیسم خطری برای ملت‌ها است.^۴

وی در نامه پاپی رستگاری‌بخشی‌های الهی^۵ درباره الحاد کمونیسم و آموزه اجتماعی کلیسا، به انتقاد نظام‌مند از کمونیسم پرداخت و آن را از اساس منحرف دانست.^۶

1. *Quadragesimo Anno* (In the fortieth year)

2. Social justice

3. social charity

4. Schwaigert, G. & Hughes, J., "Pius XI, Pope", *New Catholic Encyclopedia*, v.11, p.393.

5. *Divini Redemptoris*

6. PCJP, 2004: [92]

تعالیم اجتماعی پاپ ژان بیست و سوم

پاپ بعدی، که به طور مشخص به امور اجتماعی پرداخت، ژان بیست و سوم بود. او پس از جنگ جهانی اول با موضوعات کار و کارگر، انقلاب صنعتی، معضلات مهاجرت، کشاورزی، مناطق در حال توسعه، ازدیاد جمعیت و معضلات اقتصادی مواجه شد. توسعه الاهیات اجتماعی کاتولیکی پس از جنگ جهانی دوم بود؛ هنگامی که توجه‌ها به سمت مشکلات توسعه اجتماعی و سیاسی و روابط بین‌الملل معطوف شد. پاپ ژان بیست و سوم در ۱۹۶۱م بیانیه «مادر و معلم»^۱ را با عنوان فرعی «مسیحیت و پیشرفت اجتماعی»^۲ منتشر کرد. این بیانیه اسقفی نظریه اجتماعی کلیسا را در حد توجه به روابط میان ملت‌های فقیر و غنی، بررسی وظایف کشورهای غنی برای کمک به کشورهای فقیر، با احترام به فرهنگ‌شان، بسط داد. این بیانیه تهدید نامتوازن بودن اقتصادی جهان برای صلح جهانی را مورد ارزیابی قرار داد و جوامع مسیحی و کلیسایی را به همکاری در زمینه عدالت و ساختن جامعه فراخواند.^۳ در ۱۹۶۳م پاپ آن را بسط داد و با عنوان صلح بر روی زمین،^۴ خطاب به کاتولیک‌ها و غیرکاتولیک‌ها مطرح کرد. پاپ در آن بیانیه تثبیت صلح جهانی را به اموری اساسی، نظیر حقوق مناسب و مسئولیت‌های افراد، گروه‌های اجتماعی و دولت‌ها وابسته دانست.^۵

تعالیم اجتماعی شورای واتیکانی دوم

در ادامه این تحولات پاسخ مثبت شورای واتیکانی دوم به انتظارات جهان معاصر درباره مسائل اجتماعی مطرح شد. بیانیه شادی و امید^۶ شورای واتیکانی دوم، یک شیوه نظام‌مند درباره موضوعات فرهنگی، اقتصادی و حیات اجتماعی، ازدواج و خانواده، جامعه سیاسی و صلح در پرتو چشم‌انداز مسیحی و مأموریت کلیسایی ارائه داد. برای نخستین بار بود که

1. *Mater et Magistra* (Mother and Teacher)
2. *Christianity and Social Progress*
3. *Ibid*: [94]
4. *Pacem in Terris* (Peace on Earth)
5. *Pacem in Terris* § 146
6. *Gaudium et Spes* (Joy and Hope)

شورای اسقف‌های کلیسایی در بالاترین سطح و پر قدرت درباره جنبه‌های این جهانی متفاوت حیات مسیحی سخن می‌گفت.^۱

تعالیم اجتماعی پاپ پل ششم

پاپ پل ششم در ۱۹۶۸م پیشگام برگزاری جشنی با این عنوان شد: «اولین روز سال به عنوان روز جهانی صلح اعلام می‌شود».^۲ در آغاز دهه ۱۹۷۰م، در فضای آشوب و نزاع‌های قوی ایدئولوژیکی، پاپ پل ششم به تعالیم اجتماعی پاپ لئوی سیزدهم بازگشت و آن را احیا کرد. او به جامعه پس از عصر صنعتی پرداخت و معضلات پیچیده آن، نظیر شهری‌سازی، موقعیت جوانان، مهاجرت، رشد جمعیت، تأثیر ابزارهای ارتباطی اجتماعی و مشکل محیط زیست و نارسایی رژیم‌ها در پاسخ به این چالش‌ها را مورد توجه قرار داد.^۳ پل ششم در ۱۹۷۱م، در بیانیه «پیشرفت مردم»،^۴ تبعیض در بهداشت و توسعه میان غرب صنعتی و جهان سوم را مورد توجه قرار داد. این بیانیه مدعی بود که تجارت جهانی آزاد به تنهایی برای تصحیح این تبعیض‌ها کافی نیست و باید از نقش سازمان‌های بین‌المللی برای توجه به این نیاز حمایت کرد. او ملت‌های غنی را به توجه به وظایف اخلاقی‌شان در قبال ملت‌های فقیر فراخواند و روابط میان توسعه و صلح را خاطر نشان ساخت. به نظر او پیشرفت کامل اشخاص بدون پیشرفت هم‌زمان همه ابعاد انسانیت امکان‌پذیر نیست.^۵ او در بیانیه پیشرفت مردم، «توسعه» را نام جدید صلح دانست.^۶

تعالیم اجتماعی پاپ ژان پل دوم

تعالیم اجتماعی ژان پل دوم شامل سه سند پایی اجتماعی به نام‌های «انسان آن‌گونه که کار می‌کند»^۷ و «درباره دغدغه‌های اجتماعی»^۸ و «یکصدمین سالگرد»^۹ است. او در این اسناد بر

1. PCJP, 2004: [96].

2. Ibid, [99].

3. Ibid, [100].

4. *Populorum Progressio* (The progress of the peoples).

5. *Populorum Progressio* §43.

6. PCJP, 2004: [98]

7. *Laborem Exercens* (As he was working).

8. *Sollicitudo Rei Socialis* (On Social Concern).

جایگاه کار و کارگر، پیامدهای توسعه در قرون اخیر، به ویژه قرن بیستم، بررسی اقشار ضعیف و فقیر جامعه، در اثر تأکید عمده بر رشد اقتصادی و بی توجهی به عوامل دیگر توسعه، نظیر عوامل زیست محیطی، معنوی و اجتماعی، موضوع صلح و مخالفت با خشونت، فروپاشی کمونیسم و عوامل آن، نظیر بی توجهی به آزادی شخصی در قلمروهای سیاسی و اقتصادی و نادیده گرفتن تعالی و کرامت انسان، رابطه کشورهای جهان اول با کشورهای جهان سوم و ... تأکید کرد.^۲

تعالیم اجتماعی شورای پاپی عدالت و صلح

یکی از شوراهای کلیسایی مرتبط با مسائل اجتماعی و سیاسی، شورای پاپی عدالت و صلح^۳ است که در راستای نظریه اجتماعی کلیسا در ۱۹۶۷م توسط پاپ پل ششم تأسیس شد.^۴ این شورا دو بیانیه مهم در ۲۰۰۴م و ۲۰۱۱م منتشر کرد. گرچه این بیانیه‌ها رسماً از طرف پاپ صادر نشده است، لیکن شورای پاپی صلح و عدالت زیر نظر پاپ عمل می‌کند و بیانیه آن مورد تأیید پاپ است.

نخستین بیانیه، «خلاصه تعالیم اجتماعی کلیسای کاتولیک»،^۵ است که در ۲۰۰۴م توسط شورای پاپی عدالت و صلح واتیکان منتشر شد. این سند به تبیین تعالیم اجتماعی مسیحیت کاتولیک می‌پردازد و عصاره همه بیانیه‌های پاپی و اسقفی در زمینه مسائل اجتماعی است. این سند دوست صفحه‌ای اصول تعالیم اجتماعی کلیساست و بر مأموریت کلیسا برای اجتماع و حقوق انسان تأکید می‌کند.^۶

بیانیه دیگر شورای پاپی عدالت و صلح، که به اندازه بیانیه اول مهم نیست، به مناسبت بحران اقتصادی سال ۲۰۱۱م، با عنوان «به سوی اصلاح نظام‌های مالی و پولی بین‌الملل در

1. Centesimus Annus (The Hundredth Year).

2. sniegocki, *Catholic Social Teaching and Economic Globalization*, p.143.

3. Pontifical Council for Justice and Peace (PCJP).

۴. صانعی، مرتضی، «درآمدی بر بیانیه شورای پاپی صلح و عدالت درباره بحران اخیر اقتصادی»، معرفت ادیان، سال دوم، ش ۲، بهار ۱۳۹۰، صص ۱۶۹-۱۹۵.

5. Compendium of the Social Doctrine of the Church.

6. PCJP, 2004.

بستر مرجعیت عمومی جهانی^۱ است. این بیانیه، به طور عمده ناظر به تجزیه و تحلیل بحران‌های مالی جهانی، به ویژه بحران مالی ۲۰۰۸ م است. این بیانیه، مؤلفه‌هایی همانند خطاهای ذاتی در سیاست‌های اقتصادی و مالی، ضعف ساختاری نهادهای سیاسی، اقتصادی و مالی، خلأ ارزش‌های معنوی و اخلاقی در فعالیتهای اقتصادی و سیاسی، مدیریت نامناسب فرایند جهانی‌سازی و نابرابری در توزیع ثروت را از جمله عوامل شکل‌گیری بحران اقتصادی اخیر دانسته، اذعان کرد که مجامع جهانی از رسالت ذاتی خود فاصله گرفته‌اند و به دست برخی قدرت‌های بزرگ گرفتار آمده‌اند. چنانچه علت‌العلل بحران اقتصادی را حاکمیت اندیشه لیبرالیسم اقتصادی و مادی‌گرایی معرفی کرد.^۲ این بیانیه مشتمل بر دو بخش تحلیل وضعیت کنونی نظام مالی و پولی بین‌الملل و پیشنهادات اصلاحی است.

اصول ثابت تعالیم اجتماعی کلیسا

مطابق نظر رسمی کلیسای کاتولیک، در خلاصه تعالیم اجتماعی کلیسای کاتولیک، اصول ثابت آموزه اجتماعی کلیسا شامل امور ذیل است: منزلت انسان، که به عنوان اساس سایر اصول است، اصل کمک و مساعدت و هم‌بستگی.^۳

این اصول برای ساختار اصلی جامعه است، زیرا شامل حقیقت جامعه به طور کل است؛ از روابط بسته و محدود گرفته تا روابط سیاسی، اقتصادی و حقوقی؛ از روابط میان جوامع و گروه‌ها تا روابط میان مردم و ملت‌ها.^۴ این اصول دارای اهمیت چشم‌گیر و عمیق اخلاقی هستند، زیرا به بنیادهای غایی و سازمان‌یافته حیات اجتماعی اشاره دارند.^۵

1. Towards Reforming the International Financial and Monetary Systems in the Context of the Global Public Authority.

۲. صانعی، «درآمدی بر بیانیه شورای پاپی صلح و عدالت درباره بحران اخیر اقتصادی»، صص ۱۶۹-۱۹۵.

3. PCJP, 2004: [160]; Paul II, John, *Apostolic Exhortation*, Ecclesia in America, 1999, p.55.

4. PCJP, 2004: [161].

5. Ibid: [163].

۱. کرامت انسان

تقدس حیات انسان و کرامت او یک اصل پررنگ در الاهیات اجتماعی مسیحی است. به بیان این سندها، انسان را در اجتماع و در ارتباط با دیگران نباید همچون کالایی در نظر گرفت. شخص انسان، با بودن بر صورت خدا، دارای کرامت است. او مستعد خودشناسی، تملک بر خود و ورود به اجتماع است و بنابراین باید حقوق او مراعات شود.^۱

۲. کمک و مساعدت

اصل کمک و مساعدت جزء رهنمودهای ساختاری و ثابت آموزه اجتماعی کلیسا است و از زمان نخستین بیانیه بزرگ پاپی مطرح شده است. بدون اثبات دغدغه در مورد خانواده، گروه‌ها، روابط و حقایق منطقه‌ای و محلی، ارتقاء منزلت شخص ممکن نیست.^۲ کلیسا در بیانیه پاپی چهلمین سال، حق کمک و مساعدت را به عنوان مهم‌ترین اصل فلسفه اجتماعی شناخت. بر اساس این اصل، همه جوامع دارای نظام مافوق باید کمک به جوامع دارای نظام پایین‌تر را، به همراه احترام، بپذیرند. اصل کمک و مساعدت، به معنای کمک اقتصادی، سازمانی و حقوقی به ضعیف‌ترها، نقطه مقابل پاره‌ای از اشکال تمرکزگرایی، بروکراسی و خدمات رفاهی و حضور مفرط و ناعادلانه دولت در مکانیزم‌های عمومی است.^۳

۳. هم‌بستگی

بی‌شک هم‌بستگی یک ارزش و تصمیم محکم و ثابت برای متعهد ساختن یک شخص در برابر خیر جمعی است، نه صرفاً ترحم مبهم نسبت به گرفتاری دیگران. هم‌بستگی که از ایمان ناشی می‌شود، برای سازماندهی سیاسی و اجتماعی مسیحی یک اصل بنیادین است. هر شخصی مرتبط و وابسته به همه انسانیت است. اصل هم‌بستگی سرشت اجتماعی ذاتی انسان را برجسته می‌سازد؛ یعنی تساوی همگان در منزلت و حقوق و راه مشترک اشخاص

1. Catholic Church, *Catechism of the Catholic Church*, Libreria Editrice Vaticana, 2009, [2333-2335].

2. PCJP, 2004: [185].

3. Ibid: [186].

و مردم به سمت اتحاد معتقدانه بیشتر. این اصل، که دوستی یا محبت اجتماعی نیز نامیده می‌شود، نیاز اصلی اخوت انسانی و مسیحی است.^۱

محتوای بیانیه‌ها و سندها

همه بیانیه‌ها، به جز بیانیه «شادی و امید» که سند واتیکانی دوم است و بیانیه «عدالت در جهان»^۲ که سند اسقف‌های امریکای لاتین است، بیانیه پایایی هستند. البته همه بیانیه‌ها برای همه کلیساهای کاتولیکی معتبر هستند. این اسناد، به ویژه آنهایی که از طریق خود پاپ‌ها صادر شده‌اند، مدعی ارائه تعلیمی معتبر در باب اجتماع و حتی مکتب اجتماعی هستند. درجه اعتبار آن‌ها واضح نیست.

در همان گام نخست، تعالیم اجتماعی رسمی کلیسای کاتولیک بخشی از انگاره لیبرالیسم، مدرنیسم و جامعه صنعتی جدید بود. این اسناد پر از احساس غربت و دل‌تنگی برای مسیحیت بود و تلاش کرد تا مفاهیم پیش از مدرن، نظیر مزد عادلانه، با حداقل تعدیل را، به شیوه‌ای استقرایی از اصول نهفته در الاهیات طبیعی ترمیم کند.

این اسناد موضوعاتی خاص و یا مسائل محلی ویژه را مورد توجه قرار می‌داد. اما در دوره پایایی ژان بیست و سوم و شورای واتیکانی دوم، تغییری روش‌شناختی رخ داد و موضوعات به صورت عام مطرح شد و از توجه به موضوعات خاص و موقعیت‌های محلی اجتناب شد. از این دوره به بعد بیشتر ارجاعات از کتاب مقدس بود تا الاهیات طبیعی یا دیگر اصول انتزاعی.^۳ برخی از موضوعات مهم مطرح در بیانیه‌ها و اسناد پایایی و اسقفی به قرار ذیل است:

۱. عدالت اجتماعی

یکی از موضوعات مهم در زمینه امور اجتماعی و نیز از منظر ادیان، عدالت اجتماعی است. کلیسای کاتولیک با پرداختن به این مسأله، وارد مسائل اجتماعی شد. پاپ پیوس دهم، گریگوری بزرگ را به‌مثابه قهرمان عام عدالت اجتماعی ستود، زیرا او در مقابل

1. Catholic Church, *Catechism of the Catholic Church*, [1939].

2. *Justicia in mundo* (Justic in the World).

3. McGrath, *The Blackwell Encyclopedia of Modern Christian Theology*, p.605.

بی‌عدالتی‌های امپراتوران بیزانس به مخالفت برخاسته بود. پاپ پیوس یازدهم واژه عدالت اجتماعی را در تعالیم کلیسا وارد ساخت. وی عدالت را توزیع خوبی‌ها و خیرات برای همه جامعه تعریف کرد. در دوره‌های اخیر نیز پاپ ژان پل دوم، به‌ویژه در بیانیه‌های ۱۹۸۷م و ۱۹۹۱م به وضوح از عدالت اجتماعی سخن گفته است. او به‌ویژه بر واقعیت وابستگی متقابل اقتصاد جهانی و عدالت اجتماعی تأکید کرد.^۱

واژه «عدالت اجتماعی» هم‌چنین در سند خلاصه تعالیم اجتماعی کلیسا، تنظیم شده از سوی شورای اسقفی کلیسای کاتولیک، آمده است. این سند عدالت اجتماعی را پاسخی مناسب به مسائل اجتماعی مهم و هم‌چون امری که مستقیماً با درک خیر جمعی مرتبط است، می‌داند.^۲

۲. مالکیت خصوصی

مالکیت خصوصی دغدغه دیگر بیانیه‌های الاهیات اجتماعی مسیحی است. کلیسا حامی مالکیت خصوصی است و بر این باور است که هر کسی به‌ذاته دارای چنین مالکیتی است.^۳ البته حق مالکیت خصوصی مطلق نیست، بلکه محدود به امور اجتماعی است. از منظر بیانیه‌های الاهیات اجتماعی، مالکیت خصوصی یک حق طبیعی است؛ حقی که به شخص به‌مثابه یک انسان متعلق است. این حق به سبب مسئولیت او برای سرنوشت خویش، آزادی، عقلانیت و معنویت اوست. لئوی سیزدهم خاطرنشان ساخت که مالکیت خصوصی حق طبیعی انسان، به‌ویژه در زندگی اجتماعی اوست و نه تنها قانونی، بلکه به وضوح یک ضرورت است.^۴

۳. منزلت کار و کارگر

از مسائل مهم مطرح در بیانیه‌های الاهیات اجتماعی، اهمیت کارگر و کار اوست. کار انسانی

1. Calves, J. Y. & Massaro, T., "Social Justice", *New Catholic Encyclopedia*, v.13, p.244.

2. PCJP, 2004: [120], [121], [354].

3. *Rerum Novarum* § 6

4. Pavan, P. & Massaro, T., "Social Thought, Papal", *New Catholic Encyclopedia*, 2003, v.13, p.264.

دارای اهمیت دوگانه عینی و ذهنی است. کار در معنای عینی، عصاره‌ای از فعالیت‌ها، منابع، ابزارها و فناوری‌هایی است که افراد برای تولید اشیاء به کار می‌گیرند تا بر زمین مسلط شوند. کار در معنای ذهنی، فعالیت شخص انسان دارای فکر و طرح و برنامه، به‌مثابه یک موجود پویا است.

کار به معنای عینی به شرایط، تغییرات فناورانه، تغییرات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی وابسته است. اما کار به معنای ذهنی بیانگر بعد ثابت آن است، زیرا وابسته به نوع تولید مردم یا فعالیت آن‌ها نیست، بلکه تنها به منزلت آن‌ها به عنوان انسان وابسته است. بعد ذهنی کار مقدم بر بعد عینی آن است، زیرا این بعد، خود شخص است که مشغول کار می‌شود و کیفیت و ارزش کامل آن را تعیین می‌کند. اگر این آگاهی نباشد، یا اگر کسی نخواهد این حقیقت را تصدیق کند، اعتماد به کار و معنای بسیار عمیق آن از بین می‌رود.^۱ حقوق کارگران، هم‌چون همه حقوق‌های دیگر، بر سرشت شخص انسان و منزلت والای او مبتنی است.^۲ کار و کوشش یک برتری ذاتی بر سرمایه دارد. این اصل مستقیماً مربوط به فرایند تولید است. در این فرایند، کار و کوشش همیشه عامل تأثیرگذار اولیه است، حال آن‌که سرمایه، یعنی مجموعه ابزارهای تولید، فقط عامل ابزاری است.^۳

۴. جهانی‌سازی و توسعه

از موضوعات مهم دوران معاصر، که تا حدودی توجه اهل کلیسا را نیز به خود جلب کرده است، توسعه و جهانی‌سازی است. پاپ ژان پل دوم در سخنرانی روز جهانی صلح و در جاهای دیگر برخی از ابعاد آن را مورد توجه قرار داد. در بیانیه‌های پاپی و نامه‌های اسقفی و ... کاتولیک‌ها در گفت‌وگوها درباره جهانی شدن مشارکت دارند. کلیسای کاتولیک به موضوعاتی نظیر پیشرفت ملت‌های فقیر، مهاجرت، نیازهای اساسی انسان‌ها و نیاز به ساختارهای جدید برای تضمین فضایل پرداخته است؛ موضوعاتی که امروزه به بالاترین حد گفت‌وگو و بحث رسیده است.^۴

1. PCJP, 2004: [270].

2. Ibid: [301].

3. Ibid: [277].

4. Coleman, John A., *Christian Political Ethics*, Princeton University Press, 2008, pp.177-178.

البته باید توجه داشت که تاکنون به‌طور حقیقی جهانی‌سازی در تعالیم اجتماعی کاتولیکی مورد اهتمام قرار نگرفته است. تمایل بحث‌های اولیه کاتولیک‌ها درباره جهانی‌سازی بر این است که جهانی‌سازی فی‌نفسه یک پدیده پیچیده و دوپهلوی است؛ نه خوب است و نه بد. جهانی‌سازی امکانات و موقعیت‌های بالقوه بسیاری برای تبدیل انسان‌ها به یک خانواده، با ارزش‌های واحد عدالت، برابری و هم‌بستگی دارد.^۱

کلیسای کاتولیک از یک‌سو از جهانی‌سازی و آزادی‌اش استقبال می‌کند؛ البته این استقبال بدون انتقاد نیست،^۲ اما از سوی دیگر، خود را از پروژه‌های نولیبرال جهانی‌سازی به دور می‌دارد، هرچند به‌طور کامل نقش بازار را می‌پذیرد.^۳

۵. جنگ و صلح

بندیکت پانزدهم در بیانیه خود در ۱۹۱۴م درباره موضوع جنگ،^۴ به واسطه هراس‌های ناشی از جنگ جهانی دوم، سوگواری کرد. پیوس دوازدهم که بسیار درگیر مشکلات جنگ جهانی دوم بود، در ۱۹۳۹م بیان داشت که «صلح هیچ چیز را نابود نمی‌کند، اما جنگ ممکن است همه چیز را نابود کند». ژان بیست و سوم در ۱۹۶۳م بیانیه «صلح بر روی زمین»، را درباره نیاز به خلع سلاح جهانی در این جمله خلاصه کرد که «به ندرت قابل تصور است که در منطقه جنگی اتمی بتوان از ابزارهای عدالت استفاده کرد».^۵ ژان بیست و سوم تأکید بسیاری بر اتحاد بین‌المللی و صلح جهانی کرد، و این‌که این اتحاد جهانی حداقل می‌تواند در میان گروه‌های مذهبی از هر نوعش باشد. پل ششم و ژان پل دوم هر دو بر این نکته تأکید کردند که جنگ‌ها و خشونت‌ها ناشی از علل مستقیم و غیر مستقیم، نظیر عدم رشد اقتصادی است. آنان تأکید کردند که نام دیگر صلح، توسعه است.^۶ ژان پل دوم در

1. Paul II, John, Address of to the Pontifical Academy of Social Sciences, April, on www.vatican.va, 2001.

2. Casanova, José, "Religion, the New Millennium, and Globalization," *Sociology of Religion*, 62, 2001, no. 4: 415–41 at 433.

3. Coleman, *Christian Political Ethics*, p.179.

4. *Ad Beatissimi*.

5. Harte & Massaro, "Social Thought, Papal", *New Catholic Encyclopedia*, v.13, p.260.

6. See: *Populorum progression*, [76-7].

جنگ‌های ۱۹۹۰-۱۹۹۱م خلیج فارس و جنگ‌های دهه ۱۹۹۰م بالکان بر جنگ عادلانه و رعایت اصول اخلاقی تأکید کرد.^۱ هانس کونگ درباره نیاز جامعه جهانی به اخلاق می‌گوید: هیچ نظم جهانی‌ای بدون اخلاق جهانی امکان‌پذیر نیست؛ هیچ صلح جهانی‌ای بدون صلح میان ادیان ممکن نیست و هیچ صلحی میان ادیان بدون گفت‌وگوی ادیان جهانی ممکن نیست.^۲

۶. محیط زیست

با توجه به این‌که در سی سال گذشته دل‌مشغولی مردم سراسر جهان درباره وضع جهان طبیعی و نهضت مربوط به محیط زیست سازمان‌دهی شد تا حکومت‌ها و صاحبان حرفه‌ها را برای پذیرش مسئولیت محافظت از زمین تحت فشار قرار دهد، مسیحیان طرف‌دار محیط زیست نیز در این موضع بر مضامینی از کتاب مقدس، مبنی بر تکریم طبیعت، به معنای طرح الاهی برای زمین و مخلوقات آن تأکید کرده‌اند. بسیاری از این مسیحیان در ائتلاف بین‌المللی «نهضت سبز» فعال بوده‌اند. به نظر آنان تعهدات دینی در مقابل خدا و همسایه، مسئولیتی را در برابر دنیای طبیعی و حفظ آن برای نسل‌های آینده ایجاد می‌کند؛ تا جایی که برخی از مفسران، نظیر لین وایت^۳ یا فرانسیس شیفر^۴ بی‌توجهی به طبیعت را نوعی گناه دانسته‌اند.

مسیحیان طرف‌دار محیط زیست، گاهی با این ادعا که وابستگی به تکنولوژی موجب غفلت از خدا می‌شود، رفاه انسانی را در برابر تعهدات دینی قرار می‌دهند. طبق این ادعا، آنچه در خطر است، نه منابع مادی یا یک محیط مطبوع، بلکه دنیایی از ارزش‌های دینی است که اعمال انسانی آن را بی‌ارزش کرده است.

پیش از دهه ۱۹۸۰م، بسیاری از مسیحیان فعال در نهضت اجتماعی، نهضت محیط زیست را جدی تلقی نمی‌کردند. بیشتر آنان به موضوعاتی نظیر فقر، حقوق زنان، نژادپرستی

1. Harte & Massaro, "Social Thought, Papal", *New Catholic Encyclopedia*, v.13, p.260.

2. Kung, Hans., *A Global Ethics for Global Politics and Economics*. New York, Oxford University Press, 1998, p.243.

3. Lynn White.

4. Francis Schaeffer.

و ... می‌پرداختند. اما در سال‌های اخیر بیشتر مسیحیان «نهضت سبز» را راهی برای شناخت آفرینش خدا و طریقی برای ارتباط با یکدیگر می‌دانند. «شورای ملی کلیساها» ارتباط با این نهضت را تأیید کرد. نشست «شورای جهانی کلیساها» در ۱۹۷۹م تعهد به نوعی مراقبت از جهان طبیعی را تصدیق کرد و «نشست ملی اسقف‌های کاتولیک» در ۱۹۹۱م در بیانیه خود تحت عنوان «احیای زمین» اندیشه‌های مشابهی را ابزار داشت.^۱ ژان پل دوم و کشیش‌های آمریکا نیز مطالب بسیاری درباره محیط زیست گفته‌اند.^۲

الاهیات اجتماعی کاتولیکی در عمل

تلاش‌های بسیاری نیز رخ داده تا این بیانیه‌ها را به مرحله عمل آورد. شکل جنبش‌های دموکراتیک مسیحی در اروپا و پیشرفت آن‌ها پس از جنگ جهانی دوم عمدتاً ملهم از این تعالیم اجتماعی بود. یک تأثیر در مطالعه و اجرای تعالیم اجتماعی کاتولیکی، نهضت کارگران مسیحی جوان بود که توسط جوزف کاردین^۳ محقق شد. در طی جنگ جهانی دوم، نهضت کارگری - کشیشی فرانسه به عنوان ابزاری برای کشف طبقه کارگری کلیسا به شمار می‌رفت. در آمریکا دروتی دی^۴ روزنامه تأثیرگذار کارگر کاتولیک^۵ را منتشر کرد.^۶ چندین سازمان کلیسایی نیز به موضوعات اجتماعی اختصاص یافته است؛ از جمله شورای اسقفی صلح و عدالت که وظیفه‌اش ترویج عدالت و صلح در جهان، در سایه انجیل

۱. ویور، مری جو، درآمدی به مسیحیت، ترجمه حسن قنبری، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۱ش، صص ۴۰۰-۴۰۱.

۲. برای دیدن اسناد واتیکانی دوم بنگرید به:

Marjorie Keenan, ed., *From Stockholm to Johannesburg: A Historical Overview of the Concern of the Holy See for the Environment*.

برای دیدن نظر کشیش‌های آمریکا درباره محیط زیست، بنگرید به:

Drew Christensen, S. J., and Walter Grazer, eds., *And God Saw It Was Good: Catholic Theology and the Environment*.

3. Joseph Cardijn

4. Dorothy Day

5. Catholic labor

6. McGrath, *The Blackwell Encyclopedia of Modern Christian Theology*, p.564.

و تعالیم اجتماعی کلیسا است.^۱ این شورا در صدد تبیین و توسعه سازمان‌های کاتولیکی‌ای است که درباره این موضوعات با سازمان‌های امدادی سازمان ملل همکاری می‌کند.^۲ هم‌چنین، آکادمی اسقفی علوم اجتماعی به دنبال ترویج مطالعه و پیشرفت علوم اجتماعی است. این آکادمی به منظور مشارکت در توسعه تعالیم اجتماعی کلیسا با شوراهای مختلف، به‌ویژه با شورای صلح و عدالت همکاری می‌کند.^۳ شاید بتوان یکی از نموده‌های الاهیات اجتماعی را جریان تبشیری مسیحی برشمرد، که به منظور تبلیغ مسیحیت، به ارائه خدمات انسانی و کمک‌های بشردوستانه پرداخته است؛ خدماتی نظیر ایجاد مراکز و دوره‌های آموزشی، مراکز و خدمات بهداشتی و درمانی، تشکیل مؤسسات خیریه و عام‌المنفعه.

نتیجه

با توجه به آنچه گذشت می‌توان اذعان داشت که از میان دو نوع الاهیات اجتماعی ضمنی و صریح، الاهیات اجتماعی صریح، در جهان مسیحیت، در عصر مدرن جایگاه ویژه‌ای یافته است و مشکلات ناشی از مدرنیته و معضلات صنعتی‌سازی مسیحیان را به این اندیشه کشانده است که از دین برای حل این معضلات مدد گیرند و بر این کار نیز تصریح و اصرار ورزند.

کمک گرفتن از دین در حل بحران‌های اجتماعی از سوی آیین مسیحیت در عصر جدید، بیان‌گر این نظر است که کلیسای کاتولیک در قرن نوزدهم و بیستم در بیشتر کشورها مجدداً به اجتماع بازگشته است. در طی قرن نوزدهم، کلیسای کاتولیک نیروی روحانی و نفوذ اجتماعی، فرهنگی و نیز تا حدودی سیاسی بیشتری نسبت به دوران پس از روشن‌گری و رنسانس داشته است؛ عصری که کسی فکر نمی‌کرد این کلیسا بتواند سر پای خود بآیستد و زمینه برای استمرار و اقتدار آن مهیا باشد.

این رویکرد نشان داد که هنوز می‌توان از دین برای دغدغه‌های انسان مدرن مدد گرفت و هنوز چشم‌های بسیاری در انتظار حضور دین در اجتماع است. این رویکرد

1. Paul II, John, Art 142, Pastor Bonus, Holy See, 1988-06-28, Art 142.

2. PCJP, 2011.

3. PASS, 2008.

نشان‌گر ناامیدی و سرخوردگی انسان مدرن نسبت به حل معضلات خویش به‌تنهایی و فارغ از نگاه به آسمان بود.

الاهیات اجتماعی مسیحی، که رویکردی بدیع در دنیای مدرن بود، ریشه در بیانیه‌های پاپ‌ها و اسقف‌ها داشت، اما توسط دیگران، اعم از افراد درون کلیسا یا بیرون، به‌صورت فردی و گروهی تداوم یافت. نقش اول را در این حرکت الاهیاتی و اجتماعی، بیانیه پاپی امور جدید لئوی سیزدهم داشت که در ۱۸۹۱م ارائه شد و در دهه‌های بعد توسط بیانیه‌های اجتماعی پاپی پیوس یازدهم، ژان بیست و سوم، پل ششم و ژان پل دوم و در تعداد قابل توجهی از بیانیه‌های پاپی، سندهای شورایی و بیانات مدافع‌گرایانه کلیسایی و نامه‌های رسولی برای کنفرانس‌های اسقفی دنبال شد.

از نکات قابل توجه در الاهیات اجتماعی مسیحی، پرداختن به موضوعات و دغدغه‌های متنوع سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است که در مسائلی نظیر عدالت اجتماعی، مالکیت خصوصی، کار و کارگر، جهانی‌سازی و توسعه، جنگ و صلح، محیط زیست، مهاجرت، رشد جمعیت و ... خود را نشان می‌دهد.

اما در عین حال باید به یک نکته، برای پژوهش‌های آتی توجه داشت و آن این‌که، هرچند الاهیات اجتماعی مسیحی از نظریه فراتر رفت و تا حدودی به مرحله عمل و اجراء نیز رسید و افراد و گروه‌های بسیاری از دین برای حل بحران‌های اجتماعی مدد گرفتند، اما در یک نگاه کلی، این تعالیم برای همه اعضای کلیسا جنبه اخلاقی و راهنمایی داشته و دارند و به هشدار، موعظه و نصیحت تقلیل یافته است. به همین دلیل است که حتی بسیاری از پیروان کلیسا نیز آن‌ها را جدی نمی‌گیرند.

تکیه کردن صرف بر منابع معنوی، ایده‌هایی را که برای کنار آمدن با مسائل اجتماعی جدید ضروری هستند، فراهم نخواهد کرد. هم‌چنان‌که، ایده‌های کافی اخلاق اجتماعی، بر فرض صلاحیت هدایت جوامع در برخورد با مشکلات حیات جدید، بعید است که قادر به اقامه پادشاهی خدا بر روی زمین باشد.

ناکامی کلیسا در پرداختن به مسائل اجتماعی، نظیر حکومت، سیاست، مسائل کلان اجتماعی و ... بیانگر این امر است که بسیاری از آموزه‌ها و تعالیم مسیحی، به جای آن‌که برنامه‌ای مشخص برای امور اجتماعی همیشه دوران باشند، حالت تسکین‌بخشی دارد.

منابع

- پازوکی، شهرام، «تجدید فلسفه مسیحی در دوره جدید»، سایت *مهرنامه*، شماره مقاله ۳۱۲۱، ۱۳۹۰ش.
- ژید، شارل و شارل ریست، *تاریخ عقاید اقتصادی*، کریم سنجایی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۱ش.
- شجاعی زند، علیرضا، دین، جامعه و عرفی شدن، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۰ش.
- شجاعی زند، علیرضا، «جامعه‌شناسی دین، عبور از محدودیت‌ها»، *مجله قبسات*، سال ۸، بهار ۱۳۸۲.
- صانعی، مرتضی، «درآمدی بر بیانیه شورای پایی صلح و عدالت درباره بحران اخیر اقتصادی»، *معرفت ادیان*، سال ۲، ش ۲، بهار، ۱۳۹۰ش.
- گرنز، استنلی جی و آلسون، راجر ای، *الاهیات مسیحی در قرن بیستم*، رابرت آسیریان، میشل آقامالین، تهران، کتاب روشن، ۱۳۸۶ش.
- لگن‌هاوزن، محمد، «درآمدی بر الاهیات اجتماعی پروتستان از آغاز نهضت اصلاح دین تا هگل»، *منصور نصیری*، *مجله الاهیات اجتماعی*، ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۸.
- ویور، مری جو، *درآمدی به مسیحیت*، حسن قنبری، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۸۱ش.
- Boileau, David A., *Catholic Social Teaching: An Historical Perspective*, Marquette University Press, 2003.
- Calves, J. Y. & Massaro, T., "Social justice", *New Catholic Encyclopedia*, Washington, The Catholic university of American, 2003.
- Casanova, José, "Religion, the New Millennium, and Globalization," *Sociology of Religion*, 62, no. 4: 415-41 at 433, 2001.
- Catholic Church, *Catechism of the Catholic Church*, Libreria Editrice Vaticana, 2009.
- Coleman, John A., *Christian Political Ethics*, Princeton University Press, 2008.
- DeWitt Hyde, William, *Outlines of Social Theology*, University of Chicago Press, 1896.
- Ely, Richard T., *Social Aspects of Christianity and other Essays*, 1889.
- Harte, T. J. & Massaro, T., "Social Thought, Papal" in: *New Catholic Encyclopedia*, Washington, The Catholic University of American, 2003.
- Heitink, Gerben, *Practical theology: history, theory, action, domains*, Grand Rapids: Wm. B. Eerdmans Publishing Co, 1999.
- Kung, Hans., *A Global Ethics for Global Politics and Economics*. New York: Oxford University Press, 1998.
- Mayeur, Z. M. M., "Leo XIII, Pope", *New Catholic Encyclopedi*, Washington, The Catholic University of American, 2003.
- McGrath, Alister, *The Blackwell Encyclopedia of Modern Christian Theology*, Blackwell, 1995.
- Paul II, John, Address of to the Pontifical Academy of Social Sciences, April, on www.vatican.va, 2001.
- Paul II, John, Art 142, Pastor Bonus, Holy See, 1988-06-28.
- Paul II, John, *Apostolic Exhortation*, Ecclesia in America, 1999.
- Pavan, P. & Massaro, T., "Social Thought, Papal" *New Catholic Encyclopedia*, Washington, The Catholic University of American, 2003.

- Pontifical Academy of Social Sciences: PASS, "Motu Proprio, History and Aim", Vatican City: Libreria Editrice Vaticana, 2008-03-18.
- Pontifical Council for Justice and Peace: PCJP, Compendium of the Social Doctrine of the Church, Vatican City: Libreria Editrice Vaticana, 2004.
- Pontifical Council for Justice and Peace: PCJP, Towards Reforming the International Financial and Monetary Systems in the Context of the Global Public Authority, Vatican City: Libreria Editrice Vaticana, 2011.
- Schwaigert, G. & Hughes, J., "Pius XI, Pope" in: *New Catholic Encyclopedia*, Washington, The Catholic university of American, 2003.
- Sniegocki, john, *Catholic Social Teaching and Economic Globalization*, Marquette University Press, 2009.
- Turner S., Bryan, *Religion and Social Theory*, New York, 1983.
- W. O'Malley, John, *A History of the Popes*, Rowman & Littlefield Publishers, New York, 2010.